

بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج

دکتر غلامرضا جعفری نیا*

چکیده

پیوند انسان در گروه‌های اجتماعی و سیاسی، ضرورت مشارکت اجتماعی افراد را فراهم ساخته و نوع مسئولیت و کارکرد و جایگاه واقعی و یا آرمانی فرد را معین می‌سازد. انسان اجتماعی برای داشتن نظام حکومتی مورد علاقه خود نیازمند مشارکت سیاسی بوده و لذا بدون حضور فعال در عرصه سیاست جایگاه مورد نظر خود را نمی‌یابد. هدف این تحقیق، بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی در شهر خورموج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن است. از مهم‌ترین نتایج تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: میزان تمایل به مشارکت سیاسی مردان بیشتر از زنان بود؛ با افزایش تحصیلات،

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر (jafarinia_reza@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۴

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۱، صص ۸۷-۱۲۲.

میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یافت؛ طبقات اجتماعی بالا نسبت به طبقات اجتماعی پایین، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی داشتند؛ بین سن، محل سکونت و وضعیت تأهل با میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود نداشت.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، شهروندان، خورموج.

Archive of SID

مقدمه

مشارکت^۱ در لغت به معنای همکاری کردن، شرکت داشتن و شریک شدن است. مشارکت در واقع شرکت داوطلبانه گروهی از مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی - اجتماعی است که در توسعه ملی نقش اساسی دارند.^(۱) مشارکت برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آنها برای پاسخگویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است. در مشارکت^۲ حدود دخالت مردم در فرایند تصمیم‌گیری تا آنجاست که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد یعنی این حق مداخله باید موجب حل مشکلات خود و جامعه شود. با این وصف، مشارکت می‌تواند ابزاری برای رونق‌بخشی به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه شتاب دادن به آهنگ توسعه و بسط عدالت اقتصادی و اجتماعی باشد. مشارکت ابزار افزایش و توزیع فرصت‌های شرکت مردم در تصمیم‌گیری‌های جمعی، همیاری و دیگریاری در توسعه و پیشرفت کشور است.^(۳) اندیشمندان از زوایای گوناگون بحث مشارکت را مورد توجه قرار داده‌اند: فرنچ^۲ مشارکت را عبارت از درگیری ذهنی و عاطفی یک فرد در یک وضعیت گروهی می‌داند.^(۳) هال^۳ بر این باور است که تعارض بین دیدگاه‌های عمل‌گرایانه^۴ و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده مفهوم مشارکت تبدیل به مفهومی چندوجهی و طی زمان با معانی متفاوتی هویدا شود.^(۴) ارنشتاین^۵ مشارکت

1. Participation
2. French
3. Hall
4. Participation
5. Arnstein

را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند.^(۵) گیدنز^۱ در بحث از مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره کرده است.^(۶) وینر^۲ بر این باور است که در مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.^(۷) از دیدگاه جامعه‌شناختی باید بین مشارکت به عنوان حالت (امر مشارکت) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمییز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاصی و داشتن سهمی در هستی آن چیز خبر می‌دهد و در معنای دوم شرکت فعال در گروه را می‌رساند.^(۸) مشارکت سیاسی یعنی مداخله در یک فعالیت سازمان‌یافته و عملدی که در صدد است خصلت، کارکرد، ساخت، سیاست‌ها، رفتار چندین نهاد و یا فرایند قدرت در این حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آن را تغییر دهد.^(۹) در دایرةالمعارف علوم اجتماعی مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت داوطلبانه‌ای که اعضای یک جامعه در انتخاب حکام به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند.^(۱۰) در این تحقیق، تعریف راش که پس از نقد و بررسی سایر تعاریف توسط وی ارائه شده، پذیرفته شده است: «مشارکت سیاسی، درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است».^(۱۱)

فرهنگ سیاسی مشارکتی به این معناست که افراد از نفوذ نظام سیاسی بر خود و میزان تأثیرگذاری خود بر نظام سیاسی آگاهی دارند و با علم به تأثیرگذاری متقابل آن دو بر یکدیگر نسبت به ساخت سیاسی، اداری و روند تصمیم‌گیری و امر اجرایی حساسیت نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند در خطی مشی و تصمیمات نظام سیاسی تأثیر بگذارند؛^(۱۲) بنابراین احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت و اداره امور مملکتی یک وظیفه و تکلیف شرعی برای همه مردم به‌ویژه قشر نوجوان و جوانان یک جامعه زنده و پایدار است و اما عقل نیز بر این ضرورت تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد در ایران نیز بسان دیگر کشورهای درحال توسعه به دلیل اینکه تجربه

1. Giddens

2. Viner

طولانی از دموکراسی ندارند و چند دهه پیش نیست که از نظام دیکتاتوری فاصله گرفته‌اند، هنوز راه‌های زیادی وجود دارد تا بتوان مشارکت سیاسی را در جامعه ایران نهادینه کرد و طرح مسئله مشارکت سیاسی هرچند به کرات، شاید بتواند در دست یافتن به این مهم، کمک شایانی کند.

در این پژوهش به دلیل اینکه شهر خورموج از مناطق محروم استان بوشهر است و از طرفی قرار گرفتن این منطقه و استان بوشهر به عنوان قطب اصلی اقتصادی و منابع عظیم نفت و گاز و مهاجرت نیروهای کار از استان‌های دیگر به این منطقه و به هم خوردن مناسبات فرهنگی و قومی و در نهایت ناهماهنگی در میزان مشارکت افراد در سرنوشت خودشان، ضرورت تحقیق در این زمینه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. هدف کلی و اصلی این تحقیق مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد در شهر خورموج است. دیگر اهداف تحقیق عبارتند از: (۱) تعیین میزان مشارکت سیاسی مردم شهر خورموج؛ (۲) تعیین تأثیر میزان تحصیلات بر میزان مشارکت سیاسی؛ (۳) تعیین تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی؛ (۴) تعیین تفاوت میزان مشارکت سیاسی زنان و مردان.

پیشینه تحقیق

جعفریان در تحقیقی با عنوان «بررسی فرهنگ سیاسی و نظام طایفه‌ای و میزان مشارکت سیاسی شهر دلفان» ابعاد فرهنگ سیاسی را در مورد میزان مشارکت شهروندان دلفان مورد بررسی قرار داده است. نتایج کار وی نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی چون خویشاوندی شدید، خشونت‌گرایی و غارت، به شکل‌گیری فرهنگ سیاسی خاصی انجامیده که مانع جدی و مهمی بر سر راه توسعه سیاسی محسوب می‌شود. (۱۳)

در تحقیق مردوخ‌چی برای سنجش «میزان و بررسی شاخص‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی تحت عنوان مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش» شاخص‌های کمی‌ت‌پذیر مشارکت سیاسی و اجتماعی شامل موارد مشارکت در انتخابات، کارهای داوطلبانه، کارهای خیریه و عضویت در انواع انجمن‌ها و تجمع‌ها بیان شده است. (۱۴)

در تحقیقی که شادی طلب با عنوان «زن در توسعه» انجام داده است، به مقایسه ایران به عنوان کشوری در حال توسعه با کشورهای صنعتی و توسعه یافته پرداخته و نتیجه می‌گیرد زنان و دختران با کمبود امکاناتی نظیر سواد، پایین بودن دستمزد، سنت‌ها و عادات اجتماعی که زن را به جنس کم‌اهمیت‌تر تبدیل می‌کرد، مواجه شده‌اند.^(۱۵)

دیانتی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تبریز» پرداخته است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل دو متغیره این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، فضای باز سیاسی و رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری داشته‌اند.^(۱۶)

حبیب‌زاده در پایان‌نامه خود به «بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها» پرداخته است. یافته‌های این تحقیق بیانگر این واقعیت است که برای بالا بردن میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی جوانان باید هویت ملی - دینی جوانان تقویت شود و نیز چنین ملاحظه شد که جوانانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی آنها ضعیف‌تر بود.^(۱۷)

هدایتی‌زاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به بحث «مشارکت سیاسی در ایران معاصر» پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت به‌رغم اینکه ساختار نظام جمهوری اسلامی مبانی نظری و عملی مشارکت سیاسی مدنی را فراهم نموده اما ضعف انسجام درونی و سیستمی جامعه ما در ابعاد جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگی - سیاسی مشارکتی و شرایط مرحله گذار نظام سیاسی غیردموکراتیک سلطنتی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی، موجب شکل‌گیری مشارکت سیاسی توده‌ای شده است.^(۱۸)

در تحقیق دیگری که با روش پیمایشی صورت گرفته، دواس و هیوز به بررسی تأثیر زمینه‌های فردی و خانوادگی دانش‌آموزان بر نگرش سیاسی آنان در امریکا پرداختند. آنان نتیجه گرفتند پسران در مقایسه با دختران اظهار داشته‌اند که تمایل بیشتری به مشارکت دارند (۷۱ درصد پسران و ۴۵ درصد دختران). در همین

تحقیق بین طبقه اجتماعی دانش‌آموزان و میزان آگاهی سیاسی‌شان رابطه معنی‌داری وجود نداشت (۶۵ درصد در مقابل ۶۰ درصد). همین‌طور پسران طبقه متوسط در مقایسه با پسران طبقه کارگر.^(۱۹)

در تحقیق دیگری، بک به بررسی «تأثیر عوامل مختلف بر مشارکت سیاسی نوجوانان امریکایی بین سال‌های ۷۳-۱۹۶۵» پرداخته است؛ عواملی چون پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین، مشارکت سیاسی والدین، فعالیت جوانان در دبیرستان و گرایش‌های مدنی والدین، تأثیر فراوانی بر مشارکت سیاسی نوجوانان داشته‌اند.^(۲۰)

کمپل در «بررسی رابطه مشارکت سیاسی با کارایی سیاسی» به این نتیجه رسید که هرچه احساس کارایی سیاسی فرد بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی وی افزایش می‌یابد. به نظر وی تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، درآمد و شغل به‌شدت بر میزان مشارکت سیاسی فرد تأثیر دارند.^(۲۱)

در مطالعه‌ای که توسط مالهورترا در سال ۱۹۹۷ با عنوان تأثیر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در میان ۵۷۷ تن از زنان متأهل از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۱۸ انجام گرفت، رابطه بین تحصیل، استخدام و بی‌قدرتی زنان در کشورهای در حال توسعه و سربلنکا بررسی شد. در این تحقیق شاهد بی‌قدرتی زنان در زمینه‌های مختلف استخدامی و تصمیم‌گیری در امور مختلف به‌ویژه در زمینه تحصیلات مالی هستیم.^(۲۲)

فاضلی در مقاله‌ای با عنوان «دموکراسی و مقوله عدالت اجتماعی» به طور ضمنی به وجوه مختلف دموکراسی اشاره دارد و به این نکته تأکید می‌کند که دموکراسی با نابرابری‌های اجتماعی کاملاً سازگار می‌افتد. از نظر وی، یکی از ویژگی‌هایی که نظام‌های دموکراتیک را از نظام‌های استبدادی جدا می‌کند، قابلیت فرم‌پذیری آنهاست. در عین حال نظام‌هایی که دموکراتیک خوانده می‌شود، با محدودیت‌ها و تضادهای فراوانی روبه‌روست. نظام دموکراسی ایران نیز از بسیاری جهات کاملاً دموکراتیک نیست. چراکه بخش اجرایی و بوروکراسی عظیم آن حتی تابع انتصابات ادواری هم نیست. این بوروکراسی بیشتر انتصابی است.^(۲۳)

عنایت مطالعه‌ای با عنوان «مشارکت سیاسی زنان در ایران، یک مطالعه جامعه‌شناختی» انجام داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بیشتر این زنان، دارای تحصیلات دانشگاهی و متعلق به خانواده‌های هسته‌ای بوده و از مناطق شهری برخاسته‌اند. وی همچنین به این نتیجه دست یافت که جامعه‌پذیری خانوادگی و فرهنگ سیاسی عوامل مهمی در شکل‌گیری و تکوین شخصیت زنان فعال سیاسی بوده است.^(۲۴)

عبداللهی در مطالعه‌ای با عنوان «زنان و نهادهای مدنی مسائل موانع و راهبردهای مشارکت زنان مدنی زنان در ایران» پایین بودن میزان مشارکت مدنی شهروندان ایران به‌ویژه زنان را یکی از مسائل اساسی جامعه در حال گذار امروزی ایران دانسته است.^(۲۵)

مروری بر مباحث نظری

طرح رویکرد نظری مربوط به مشارکت اجتماعی می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه قرار گیرد. معیارهایی که در این طبقه‌بندی برداشت‌های نظری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد متعدد و قابل توجه هستند به گونه‌ای که بی‌توجهی به هر کدام، امکان دارد نوعی نقص برای بحث نظری در زمینه مشارکت سیاسی تلقی شود.

مدل‌های روان‌شناختی مشارکت

بر اساس این نظریات، آنچه منجر به کاهش یا افزایش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی می‌شود، باورها، نگرش‌ها و ایستارها و افکاری است که شخصیت افراد را تشکیل می‌دهند. به عبارتی در این نظریات ویژگی‌های مختلف روانی افراد، عامل تعیین‌کننده مشارکت افراد در فعالیت‌ها تلقی می‌شود. بدین معنی که افراد انسانی ویژگی‌های شخصیتی و روانی مختلفی دارند که برخی از آنها، افراد را مستعد و علاقه‌مند به مشارکت سیاسی می‌کند و برخی دیگر، آنها را از مشارکت سیاسی منفعل و منصرف می‌گرداند. مثلاً در طبقه‌بندی یونگ افراد برون‌گرا بیشتر به مشارکت سیاسی علاقه دارند.^(۲۶)

نظریه اثربخشی^۱ و اعتماد سیاسی^۲ از نظریه‌های روان‌شناختی هستند. اثربخشی سیاسی نگرشی است که در اثر آن فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آنها کنترل و نظارت می‌کند و می‌تواند از این طریق به ارضای نیازهای خود بپردازد. نظریه رابرت دال که مبتنی بر رویکرد روان‌شناختی رفتارگرایانه است درباره اثربخشی سیاسی می‌نویسد: «افراد وقتی تصور کنند آنچه انجام دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی نخواهد گذاشت، کمتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند. به طوری که می‌توان گفت هرچه احساس اثربخشی سیاسی فردی کمتر باشد مشارکت سیاسی او کمتر خواهد بود». وی این احساس را اعتماد به نفس سیاسی^۳ نیز می‌نامد و اظهار می‌دارد این قضاوت درباره ناکارایی سیاسی فرد چه واقع‌بینانه باشد و چه نباشد به شهروندان این را القا می‌کند که مسئولان توجهی به افرادی مانند آنها ندارند و آنها نمی‌توانند در فرایند سیاسی اثر بگذارند. (۲۷)

به نظر دال، شهروندی که احساس می‌کند افرادی مانند او در امور حکومت محلی، حرفی برای گفتن ندارند یا اینکه تنها راه اعلام نظر، دادن رأی است یا اینکه امور سیاسی و حکومتی به قدری پیچیده هستند که او نمی‌تواند بفهمد چه می‌گذرد یا اینکه مسئولان عمومی به آنچه او فکر می‌کند توجهی نمی‌کنند، در مقایسه با کسی که مقابل او فکر می‌کند احتمال خیلی کمی دارد که در امور سیاسی مشارکت کند. (۲۸)

نظریه دیگر، نظریه سودمندی^۴ مشارکت سیاسی است. بر اساس این نظریه، کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی به این امر وابسته است که آیا مشارکت در رفع نیازهایی از انسان توانمند است یا خیر؟ به عبارت دیگر، انسان‌ها بر حسب محاسبه سود و زیان دست به اقدام می‌زنند. افراد پیش از اینکه دست به هر نوع مشارکت سیاسی بزنند عاقلانه بررسی می‌کنند که آیا از مشارکت سیاسی خاصی برای آنان سودی حاصل خواهد شد یا خیر.

-
1. Political Efficacy
 2. Political Confidence
 3. Political Self- confidence
 4. Utility

در صورتی که سودی از آن نوع مشارکت متصور نباشد، یا احتمالاً زیانی از آن مشارکت متوجه آنان شود، از چنان مشارکت سیاسی خودداری می‌کند، در غیر این صورت وارد میدان مشارکت سیاسی خواهند شد.^(۲۹) دال در این باره اظهار می‌کند اگر انسان‌ها ارزش و پاداش کمی از فعالیت‌های سیاسی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها انتظار داشته باشند، کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند. وی دو نوع پاداش را برای فعالیت سیاسی از هم تفکیک می‌کند: رضایت مستقیم از فعالیت، در اثر اینکه او در نظر خودش و دیگران یک شهروند خوب معرفی شود یا در اثر ارتباط معنی‌دار با دوستان و آشنایان و یا افزایش احساس اعتماد به نفس و عزت نفس. فرد احساس رضایت‌مندی خاصی به دست می‌آورد.^(۳۰)

لیست ارتباط اقدامات و تصمیمات دولت را با منافع گروه‌های اجتماعی^۱ خاص در مشارکت سیاسی آنان مؤثر می‌داند. مثلاً گروه‌هایی که در معرض فشارهای اقتصادی هستند که دولت باید کاری بکند یا گروه‌هایی که دارای ارزش‌ها و بارهای اخلاقی و مذهبی خاص هستند که از سیاست‌های دولت متأثر می‌شوند بیشتر به مشارکت سیاسی مبادرت می‌کنند.^(۳۱)

مدل‌های سیاسی مشارکت

از نظر هانتینگتون و نلسون مهم‌ترین عامل توسعه سیاسی در کشورها، همانا مشارکت سیاسی است. آنان مشارکت سیاسی را تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها و یا تابعی از محصول جانبی توسعه می‌دانند؛ به عبارتی، نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و... مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند. این دو محقق در نقد برخی از نظریات لیبرالی توسعه که مشارکت سیاسی را محصول قطعی فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌دانند، اظهار می‌دارند این فرایند تأثیرگذاری را تنها در دوره‌های طولانی زمانی می‌توان مشاهده کرد و به طور کلی عواملی مانند

1. Social Groups

مهاجرت، جنگ، علائق مذهبی و عقیدتی کاملاً مستقل از توسعه اقتصادی می‌تواند در افزایش مشارکت سیاسی مؤثر باشد.^(۳۲)

بدون چنین نهادهایی افزایش تقاضای مشارکت از جانب گروه‌های اجتماعی در حال گسترش، همچون سیلی توفنده نظم دستگاه سیاسی را بر هم می‌زند. پس برای تأمین شرایط توسعه سیاسی که مستلزم نهادسازی و جلوگیری از مشارکت و بسیج سیاسی بیش از حد گروه‌های اجتماعی است، باید توان و قدرت حکومت افزایش یابد.^(۳۳)

شیلز^۱ معتقد است تمامی دولت‌های جدید به سوی الگویی از تجدد حرکت می‌کنند که چیزی جز دموکراسی غربی نیست جز آنکه اصلاحاتی جزئی در آن صورت می‌گیرد تا قابل تطبیق با محیط‌های جغرافیایی بیگانه با آن باشد. از این نظر هر نظام سیاسی به سوی برقراری رژیمی حرکت می‌کند که ویژگی آن توافق قوانین مدنی، عملکرد نهادهای نمایندگی و اعمال بدون محدودیت آزادی‌های انسانی است. آنچه مانع راه این شکوفایی در جهان سوم می‌شود مجموعه داده‌های نامساعد به حال دموکراسی است. این داده‌ها عمدتاً از شکاف عظیمی ناشی می‌شود که اندک نخبگان تازه متجددشده را از توده‌های بی‌علاقه به تجدد و علاقه‌مند به قواعد و ارزش‌های سنتی جدا می‌سازد.^(۳۴)

آلموند و وربا فرهنگ سیاسی را الگوی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام سیاسی تعریف کرده و به سه نوع کوتاه‌بینانه، ذهنی و مشارکتی تقسیم کرده‌اند. هریک از فرهنگ‌های سیاسی از طریق اجتماعی شدن سیاسی به شهروندان منتقل می‌شود و مبنای رفتارهای سیاسی آنان قرار می‌گیرد. فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه با آگاهی اندک از حکومت، انتظارات اندک از حکومت و میزان مشارکت سیاسی اندک مشخص می‌شود. فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر اما میزان مشارکت اندک و فرهنگ سیاسی مشارکتی با میزان آگاهی، انتظار و میزان مشارکت زیاد مشخص می‌شود. از دید نظریات جامعه‌پذیری معمولاً هرچه سن افراد بالاتر رود، اثر این عوامل کاهش می‌یابد و جامعه‌پذیری سیاسی به مقدار زیادی در سنین کودکی و نوجوانی انجام می‌گیرد.

افرادی که در گروه‌ها عضویت دارند می‌توانند تحت فشارهای گروه‌های غیررسمی عضویت، وادار به مشارکت خاصی شوند و یا از مشارکت خودداری کنند. میزان اثرگذاری این فشارها به کم و کیف روابط گروهی بستگی دارد. یکی از عوامل بازدارنده مشارکت سیاسی نیز وجود فشارهای گروهی مغایر هم است. اگر فرد در معرض فشارهای متضاد قرار گیرد، مثلاً گروه غیررسمی «فراغت» وی را به رأی دادن بخواند و گروه غیررسمی «کار» وی را به رأی ندادن، ترجیح می‌دهد به طور کلی از مشارکت سیاسی خودداری کند.^(۳۵)

هابرماس خوش‌بین‌ترین نظریه‌پرداز در مورد پیچیدگی دموکراسی است. وجود نهادهای مدنی و گسترده همگانی را به عنوان آن بخش از حیات اجتماعی می‌داند که ضمن حفظ استقلال خود نسبت به بخش‌های رسمی و غیررسمی زمینه را برای گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه و کنش ارتباطی رهایی‌بخش فراهم می‌سازد. علاوه بر این او بر ویژگی‌های شخصیتی افراد و توان آنان برای خودیابی و قطع وابستگی از بخش‌های رسمی و غیررسمی نیز تأکید می‌کند، زیرا شرکت‌های اقتصادی فراملیتی، دولت‌ها و رسانه‌های جمعی وابسته به آنها از تهدیدکنندگان نهادهای مدنی و گستره همگانی‌اند. آنها با منطق حاکم بر حوزه‌های اقتصادی و سیاسی یعنی عقلانیت ابزاری در جهت کنترل نهادهای مدنی و بسط هرچه بیشتر سلطه خود عمل می‌کنند.^(۳۶)

استوارت میل^۱ مدل خود را از جامعه و اجتناب‌ناپذیر بودن نابرابری و از شرایط عمومی ابتدای قرن نوزدهم گرفت اما از نیمه قرن نوزدهم، دو تغییر در جامعه به قلمرو متفکران لیبرال نفوذ کرد. دو تغییری که مستلزم مدلی کاملاً متفاوت بود. اول احساس خطر از ناحیه طبقه کارگر نسبت به مالکیت بود و دوم وقاحت و توجیه‌ناپذیر بودن وضع کارگران.^(۳۷)

مدل‌های جامعه‌شناختی

بر اساس این نظریات موقعیت و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعیین‌کننده میزان مشارکت سیاسی افراد و فعالیت‌های سیاسی آنان است. به نظر اینگلهارت^۲

1. Stuart Mille
2. Inglehar

صنعتی شدن، شهرنشینی و سواد عمومی، تشکیل اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی توده‌ای را که به حق رأی بیشتر مردم در انتخابات منجر می‌شود، تسهیل می‌سازد، سپس آنگاه که تجهیز شناختی صورت پذیرد، مردم نیروی بالقوه فزاینده خود را برای اشکال فعال‌تر مداخله در تصمیم‌گیری‌های سیاسی توسعه می‌دهند. وی همچنین به عواملی نظیر وجود یک طبقه متوسط قوی، گسترش مهارت‌های مشارکت و همچنین پیدایش هنجارها و نگرش‌هایی در میان عموم مردم که ضامن نهادهای دموکراتیک هستند، توجه می‌کند. از نظر اینگلهارت از مهم‌ترین هنجارها و نگرش‌های ضامن دموکراسی وجود حس اعتماد میان شهروندان است. وی بحث مفصلی را در این رابطه ارائه داده است. به نظر وی سه متغیر توسعه اقتصادی، رضایت از زندگی به طور کلی و حس اعتماد میان مردم با یکدیگر دارای ارتباط متقابل هستند. تأثیر توسعه اقتصادی بر ایجاد دموکراسی مشارکتی از نظر اینگلهارت ضروری و قطعی نیست. توسعه اقتصادی تنها تا اندازه‌ای که موجب دگرگونی‌های لازم در ساختار اجتماعی و فرهنگ سیاسی شود، بقای نهادهای دموکراتیک را افزایش داده است.^(۳۸)

لیپست^۱ از جمله نظریه‌پردازانی است که مدل‌های بیرونی را برای تبیین مشارکت سیاسی نسبت به مدل‌های درونی ترجیح می‌دهد. بر این اساس او بیشتر به دنبال شناخت عواملی است که خارج از فرد و شخصیت او قرار داشته و به عنوان عوامل اجتماعی شناخته می‌شوند. از سوی دیگر، این نظریه‌پرداز معتقد است در زمینه‌های فرهنگی مختلف عوامل مشابه می‌توانند نتایج متفاوتی را به بار آورند و لذا نمی‌توان بر اساس مدل واحدی به تبیین مشارکت سیاسی در جوامع مختلف پرداخت. وی به عنوان مثال عنوان می‌کند تعلیم و تربیت و منزلت اجتماعی - اقتصادی در امریکا به‌شدت با مشارکت اجتماعی همبسته است ولی در نروژ همبستگی آنها کم است.^(۳۹) از نظر لیپست تفاوت‌های شهری - روستایی در بعضی از مشارکت‌های اجتماعی نظیر انتخابات وجود دارد ولی در بعضی دیگر وجود ندارد. مثلاً در امریکا شهرنشینان که بیشتر در معرض رسانه‌های همگانی و تعلیم و تربیت هستند و آمادگی بیشتری برای تشکیل انجمن‌های ارادی دارند بیش از

کسانی که در اجتماعات روستایی زندگی می‌کنند در انتخابات مشارکت می‌کنند. مشارکت سیاسی تابعی از عواملی نظیر بهبود کمی و کیفی در تعلیم و تربیت، شهرنشینی و پیوندهای قومی و دینی است.

بلومر^۱ از صاحب‌نظران مکتب «کنش متقابل نمادی» است. بر اساس مکانیزم پویای رفتار جمعی در نظریه بلومر، چنین استنباط می‌شود که منشأ و علت اصلی پیدایش تمایلات سیاسی، در مرحله اول این پویایی یعنی مرحله تحریک است. در این مرحله فرد نسبت به موضوعاتی خاص حساس شده و ضمن احساس تعلق و مسئولیت نسبت به مسئله، با توجه و فعالیت بیشتر پیرامون موضوع تحریک می‌شود. در این حالت افراد هرچه بیشتر از ساخت فرهنگی غافل شده، بیشتر نسبت به موضوعاتی که او را تحریک کرده‌اند حساس می‌شوند و در مراحل بعدی گرایش‌ها شکل مشخص‌تری به خود می‌گیرند، پس او عامل نارضایتی از وضع موجود را سبب گرایش به فعالیت‌های سیاسی می‌داند.^(۲) نظریه نخبگان موسکا^۲ و پارتو^۳ به تبیین سیاسی سه موضوع اساسی می‌پردازد: اجتناب‌ناپذیر بودن نخبگان، تأثیر نخبگان بر رژیم‌های سیاسی و وابستگی متقابل نخبگان و توده‌های مردم در عرصه سیاست. نخبگان مهم‌ترین مصدر تصمیم‌گیری در سازمان‌ها و نهضت‌های سیاسی، حکومتی، اقتصادی، نظامی، حرفه‌ای، ارتباطاتی و فرهنگی‌اند. نظریه نخبگان به نام سه تن ایتالیایی، موسکا، پارتو و میشلز^۴ معروف است. موسکا بر برتری اقلیت‌های کوچک بر اکثریت‌های بزرگ در امور سیاسی تأکید می‌کرد. پارتو بر مهارت و خبرگی برخی از افراد در استفاده از زور یا اقناع برای کسب قدرت برتر در عرصه سیاست تکیه می‌کرد و میشلز به گرایش قوی احزاب سیاسی توده‌ای در ایجاد الیگارش‌های ثابت و تغییرناپذیر توجه داشت.

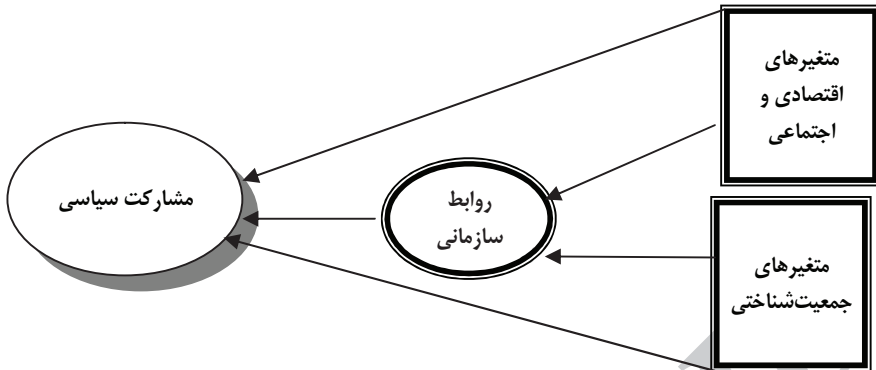
موسکا و پارتو معتقدند نخبگان فقط در صورتی کفایت و لیاقت خود را به تدریج از دست می‌دهند که اعضای قدرتمند و جدیدی جای آنها را پُر کنند. در نظریه دموکراتیک نخبگان، دموکراسی رقابت مسالمت‌آمیز و آرام نخبگان بر

1. Blumer
2. Mosca
3. Pareto
4. Michels

سرکسب حمايت مردم در انتخابات آزاد و منصفانه‌اي که همه اکثر شهروندان مي‌توانند در آنها شرکت کنند به شمار مي‌آيد. نخبگان براي برنده شدن در اين رقابت، پيشنهاد و وعده اجرائ برنامه‌هايي را مي‌دهند که پاسخگوي منافع متضاد رأی‌دهندگان باشد. وجه مشترک همه‌گونه‌اي نظريه دموکراتيک نخبگان بسته به دموکراسي پايدار وابسته به نهادينه کردن شيوه خاص از رفتار نخبگان است که هيچ تصوري از سياست‌پيشگي به عنوان جنگ و درگيري را به خود راه ندهند.

چهارچوب نظري تحقيق: به سوي يك نظريه ترکيبي

هيچ‌يك از نظريه‌هاي موجود، به تنهائي قادر به بررسي و تحليل جامع پديده مورد بررسي در تحقيق حاضر نيستند؛ بنابرين به صورت ترکيبي از آرا و نظريات مطرح براي بررسي جامع‌تر پديده مورد بحث، به عنوان چهارچوب نظري تحقيق استفاده شده است. از نظريات و ديدگاه‌هاي مختلف، متغيرهاي زير براي طرح فرضيات مورد استفاده قرار گرفته است. از نظريه کاستلو، متغير محل زندگي، از نظريه اينگلهارت، لرنر، بروس روست و لپيست متغير ميزان تحصيلات، از نظريه راش و ميلر متغير سن، از ديدگاه وضعيتي متغير وضعيت اشتغال فرد و وضعيت تأهل، از نظريه روشنفکران و همچنين کنش متقابل نمادي هربرت بلومر، روابط سازمانی استفاده شده است. از نظريه کاستلو، ميلر و اينگلهارت متغير طبقه اجتماعي يا به عبارت بهتر پايگاه اقتصادي اجتماعي استفاده شده است. همان‌طور که ملاحظه شد هرکدام از ديدگاه‌ها و نظريات، عوامل مختلفی را در ميزان تمايل به مشارکت سياسي افراد مؤثر مي‌دانند. در اين پژوهش از ترکيب نظريات و ديدگاه‌ها استفاده شده است. چهارچوب نظري ترکيبي تحقيق در قالب مدل روابط متغيرها ارائه و مورد بررسي قرار گرفته است. در تحقيق حاضر بر اساس مدل بيان‌شده، رابطه بين متغيرهاي مستقل همچون موقعيت و پايگاه طبقاتي، وضعيت اشتغال، وضعيت تأهل، سن، ميزان تحصيلات، محل سکونت، روابط سازمانی فرد با متغير وابسته يعني ميزان تمايل به مشارکت سياسي مورد بررسي قرار گرفته است.



فرضیه‌های تحقیق

۱. بین روابط سازمانی و میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد؛
۲. بین متغیرهایی چون پایگاه طبقاتی افراد، سن، محل سکونت، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال با میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

ورود به مرحله تجربی پژوهش، به امکانات، ابزارها و روش‌هایی نیاز دارد که باید پیش از آغاز بررسی تجربی، اندیشیده شود. بدیهی است عواملی چون موضوع، امکانات و اهداف تحقیق در گزینش ابزارهای اندازه‌گیری، شیوه‌های گردآوری اطلاعات و به طور خلاصه روش تحقیق، سهم عمده‌ای دارند و در هر پژوهش به ناچار باید شیوه‌های خاصی برای بررسی واقعیات برگزیده و از ابزارهای اندازه‌گیری معینی مدد گرفته و آزمون‌های خاصی به کار گرفته شود. تناسب روش و اجزای آن با موضوع و هدف پژوهش، اصلی است که رعایت آن به محقق کمک می‌کند تا شناختی را که در برخورد با واقعیات کسب می‌کند و می‌خواهد آن را معیاری برای تأیید یا اصلاح جنبه‌های نظری پژوهش قرار دهد با درجه بالایی با واقعیات تطبیق کند.

از آنجاکه موضوعات مربوط به تعیین میزان مشارکت سیاسی به صورت کمی انجام می‌گیرد، روش پیمایشی که بیشتر در تحقیقات اثبات‌گرایی مورد استفاده قرار

می‌گیرد، روش کارآمدی برای منظور ما خواهد بود. یکی از ویژگی‌های بارز و شاخص این روش این است که اطلاعات را از طریق پرسیدن از خود فرد به دست می‌آوریم. پیمایش شیوه‌ای از بررسی است که گردآوری مجموعه‌ای ساختمند یا منظم از داده‌ها حاصل آن خواهد بود. این روش عمدتاً بر اساس پرسشنامه است. اما از فنون دیگری از قبیل مصاحبه ساختمند، مشاهده، تحلیل محتوا و جز اینها نیز استفاده می‌شود.^(۴۱)

پس محقق در این تحقیق برای بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی از روش پیمایشی یا آنچه میلر مصاحبه شخصی نامیده است، استفاده کرده است. از نظر دواس، رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق پیمایشی پرسشنامه است.^(۴۲) با این حال برخی از صاحب‌نظران در نوشته‌های خود درباره پیمایش، پیوندی اساسی میان روش پیمایش و شیوه جمع‌آوری اطلاعات برقرار کرده‌اند. باید توجه داشت این روش نه بهترین است و نه بدتر از روش‌های دیگر. همه چیز به هدف‌های تحقیق، مدل تحلیل و ویژگی‌های میزان تحلیل بستگی دارد. بررسی پرسشنامه‌ای عبارت است از مطرح کردن تعدادی پرسش برای مجموعه‌ای از پاسخگویان که غالباً معرف جمعیتی وسیع‌ترند، درباره وضعیت اجتماعی، شغلی، خانوادگی، عقاید، ایستارها و مسائل انسانی، دنیوی، معنوی و یا هر مسئله یا حادثه دیگر.^(۴۳)

مطالعه حاضر به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه افراد واقع در سن رأی شهر خورموج است چراکه یکی از شاخص‌های مشارکت سیاسی رأی دادن است. بر اساس آمار فرمانداری شهر خورموج، در سال ۱۳۸۸، تعداد این افراد ۱۳۲۵۰ نفر بوده است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک پیش‌آزمون انجام شد تا واریانس صفت مورد مطالعه مشخص و سپس با استفاده از فرمول کوکران به محاسبه حجم نمونه اقدام شد. حجم نمونه پژوهش حاضر بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = n = \frac{(1/96)^2(0/65)(0/35)}{(0/05)^2} = 340/60 = 341$$

$$n = \frac{1}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = n = \frac{1}{1 + \frac{1}{13250} \left(\frac{(1/96)^2(0/65)(0/35)}{(0/05)^2} - 1 \right)}$$

از آنجاکه در این تحقیق به سنجش متغیرهایی چون درآمد، طبقه اجتماعی، مشارکت سیاسی و نیز فعالیت‌های سیاسی افراد پرداخته شده و سؤال‌های پرسشنامه می‌توانست سب حساسیت پاسخگویان و مقاومت آنها شود، لذا محقق از روش اتفافی در تعیین نمونه استفاده کرده است. در این پژوهش نیز برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه‌ها به گونه‌ای تدوین شده بود که توسط پاسخگو تکمیل شود ولی از آنجاکه ممکن بود برخی از پاسخگویان بی‌سواد باشند و یا سؤالی در مورد پرسشنامه داشته باشند و از طرفی پرسشنامه تا اندازه‌ای حساسیت برانگیز بود، از کسانی که سابقه پرسشگری داشتند و در رشته‌های مربوطه تحصیل کرده بودند استفاده شد تا مشکلی در این زمینه وجود نداشته باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS استفاده شده است. در سطح توصیفی از جداول یک‌بعدی، فراوانی، درصد ستونی، انحراف معیار و ترسیم نمودار و در سطح استنباطی نیز از آزمون t ، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس، ضریب تعیین، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. در تحقیق حاضر، با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش‌آزمون) و به کمک رایانه و نرم‌افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ برای متغیر میزان تمایل به مشارکت سیاسی محاسبه شد که میزان آن $0/7512$ شده که چون از $0/7$ بیشتر شده، نشانگر این است که همبستگی درونی گویه‌ها در حد مطلوبی است. میزان مشارکت سیاسی جزئی از مشارکت اجتماعی به حساب می‌آید که در مفهومی محدودتر می‌توان مشارکت سیاسی را چنین تعریف کرد: «شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد».^(۴۴)

مایرون وینر در مقاله معروف خود درباره مشارکت سیاسی، این تعریف را ارائه می‌دهد: در مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر

انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.^(۴۵) در این تحقیق، وضعیت مشارکت سیاسی فرد بر مبنای ملاک‌هایی چون عضویت و فعالیت در گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی به طور کلی و به طور خاص تشکل‌های سیاسی و کلیه احزاب که به طور قانونی در کشور ما اجازه فعالیت دارند و همچنین شرکت در انتخابات مختلف، اندازه‌گیری شده است.

یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که با استفاده از جدول نمونه‌گیری لین و در سطح اطمینان کمتر از ۴ درصد خطا توسط ۳۴۱ نفر جوان در شهر خورموج تکمیل شده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته که با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

از تعداد نمونه آماری، ۵۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد زن بودند. شاخص دیگر در این تحقیق محل سکونت افراد است که نتایج حاصل نشان می‌دهد ۷۱/۸ درصد آنها در شهر و بقیه در روستاها سکونت داشته‌اند. میانگین سنی ۲۲/۳۵ است. میانگین تحصیلات پاسخگویان برابر ۱۲/۸۸ کلاس بود که نشان می‌دهد افراد پاسخگو از میانگین سواد بالایی برخوردار بودند. میانگین تحصیلات پدر و مادر به ترتیب برابر ۱۱/۴۱ و ۱۰/۳۳ بود. ۵۷/۵ درصد پاسخگویان شاغل و ۴۲/۵ درصد از آنها مجرد بودند. شاخص دیگر ماهیت طبقاتی پاسخگویان است که در ۳ طبقه بالا، پایین و متوسط، تفکیک شدند. بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۸۵/۰ درصد به طبقه میانی، ۱۰/۰ درصد طبقات بالا و ۵/۰ درصد هم متعلق به طبقات پایین جامعه بودند. از نظر قومیت بیشترین تعداد جوانان فارس و کمترین آنها کرد بودند. میانگین درآمد خانوادگی آنها برابر ۱۴۲۸۹۰ تومان و میانگین هزینه خانواده ۱۵۸۴۹۲ تومان است. ۳۹/۳ درصد پاسخگویان را افراد مجرد و ۶۰/۷ درصد آنها را متأهلین تشکیل می‌دهند.

شاخص توصیفی دیگر وضعیت مسکن است که نشان می‌دهد ۸۲/۴ درصد آنها در خانه‌های شخصی زندگی می‌کردند و کمترین آنها هم در خانه‌های اجاره‌ای و سایر زندگی می‌کردند. میزان مشارکت سیاسی در میان پاسخگویان متفاوت است. ۱۴/۷ درصد افراد پاسخگو تمایل به مشارکت ضعیفی داشتند، ۴۴/۶ درصد آنها مشارکت متوسط و تنها ۴۰/۸ درصد از آنها دارای حس مشارکت اجتماعی بالا هستند.

آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای^۱ قرار می‌گیرند، با متغیر وابسته که در سطح سنجش فاصله‌ای است، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌هایی که متغیرهای مستقل آنها در سطح سنجش اسمی^۲ یا ترتیبی^۳ قرار دارد، از آزمون T (برای مقایسه دو میانگین) و از آزمون F (برای مقایسه بیش از دو میانگین) استفاده شده است.

فرضیه اول مدعی تفاوت بین زنان و مردان به لحاظ تمایل به مشارکت سیاسی است. برای بررسی صحت و سقم این فرضیه از آزمون تی (t-test) استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد میانگین تمایل به مشارکت سیاسی برای مردان برابر ۳۴/۱۷ و برای زنان برابر ۳۰/۴۰ شده است. t محاسبه‌شده برای این جدول، ۸/۳۴۸ است که از مقدار t جدول با در نظر گرفتن پنج درصد خطا بیشتر است و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ شده است؛ یعنی تفاوت بین میانگین تمایل به مشارکت سیاسی زنان و مردان معنی‌دار است. از جمله دلایلی که باعث شده میزان تمایل به مشارکت سیاسی مردان بیشتر از زنان باشد عبارتند از: اکثر زن‌ها در شهر خورموج خانه‌دار هستند و به همین دلیل به اندازه مردان که مشغول به کارهای اداری هستند و دارای تعاملات زیادی هستند، زنان درایت و بینش سیاسی کمتری دارند. از لحاظ مذهبی و سنتی زنان به اندازه مردان آزاد نیستند که در فعالیت‌های سیاسی شرکت کنند.

1. Interval
2. Nominal
3. Ordinal

جدول شماره ۰.۱. آزمون t برای مقایسه میانگین جنسیت و تمایل به مشارکت سیاسی

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی داری
جنسیت	مرد	۳۴/۱۷	۴/۳۰۹	۸/۳۴۸	۰/۰۰۰
	زن	۳۰/۴۰	۳/۹۸۹		

جدول شماره ۲ رابطه همبستگی بین سن با میزان تمایل به مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه هر دو متغیر این فرضیه در سطح فاصله‌ای قرار دارند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۰۷۹ شده که رابطه ضعیفی را نشان می‌دهد. ضمن اینکه سطح معنی داری برابر ۰/۱۴۴ است یعنی این رابطه معنی دار نیست؛ بنابراین فرضیه شماره ۲ مبنی بر اینکه بین سن و میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد، تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۲. ضریب همبستگی رابطه سن با میزان تمایل به مشارکت سیاسی

تعداد	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی داری
۳۴۱	۰/۰۷۹	۰/۱۴۴

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تمایل به مشارکت سیاسی در بین افرادی که بیشتر عمر خود را در شهر سپری کرده‌اند و افرادی که بیشتر عمر خود را در روستا سپری کرده‌اند، تفاوت وجود دارد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد بین افراد شهری و روستایی در مورد تمایل به مشارکت سیاسی تفاوت چندانی وجود ندارد. t محاسبه شده برای جدول مزبور برابر ۰/۹۹۷ است که از مقدار t جدول با در نظر گرفتن پنج درصد خطا کمتر است، لذا نمی‌توان فرض صفر را رد کرد. از جمله دلایلی که باعث شده این فرضیه تأیید نشود عبارتند از: افرادی که در شهر خورموج سکونت دارند، تقریباً همه آنان از روستاهای مجاور به شهر خورموج مهاجرت کردند و چند سالی از عمر خود را در روستا گذرانده‌اند. به همین دلیل، هنوز فرهنگ شهرنشینی به معنای واقعی آن در مورد شهروندان خورموج کاربردی ندارد.

جدول شماره ۳. آزمون t برای مقایسه میانگین تمایل به مشارکت سیاسی و محل تولد

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
محل سکونت	شهر	۳۲/۷۲	۴/۲۸۵	۰/۹۹۷	۰/۳۲۰
	روستا	۳۲/۱۳	۵/۲۲۲		

جدول شماره ۴ مدعی تفاوت افراد شاغل و غیر شاغل به لحاظ تمایل به مشارکت سیاسی است. نتایج نشان می‌دهد میانگین تمایل به مشارکت سیاسی برای افراد شاغل برابر ۳۳/۰۵ و برای افراد غیر شاغل ۳۱/۸۸ است. t محاسبه شده برای جدول مزبور برابر ۲/۴۱۳ شده که از مقدار t جدول با در نظر گرفتن پنج درصد خطا بیشتر است و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۱۶ شده است؛ یعنی تفاوت بین میانگین تمایل به مشارکت سیاسی افراد شاغل و غیر شاغل معنی‌دار است.

جدول شماره ۴. آزمون t برای مقایسه میانگین تمایل به مشارکت سیاسی و وضعیت اشتغال

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	معنی‌داری
وضعیت اشتغال	شاغل	۳۳/۰۵	۴/۸۶۰	۲/۴۱۳	۰/۰۱۶
	غیر شاغل	۳۱/۸۸	۴/۰۶۳		

جدول شماره ۵ مدعی تفاوت بین افراد مجرد و متأهل به لحاظ تمایل به مشارکت سیاسی است. نتایج نشان می‌دهد بین افراد مجرد و متأهل در مورد تمایل به مشارکت سیاسی تفاوت چندانی وجود ندارد. t محاسبه شده برای این جدول، برابر ۰/۱۳۱ شده که از مقدار t جدول کمتر است. لذا نمی‌توان فرض صفر را رد کرد.

جدول شماره ۵. آزمون t برای مقایسه میانگین تمایل افراد به مشارکت سیاسی و وضعیت تأهل

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	معنی‌داری
وضعیت تأهل	مجرد	۳۵/۳۴	۴/۵۹۳	۰/۷۱۰	۰/۴۷۸
	متأهل	۳۲/۷۰	۴/۵۵۸		

با توجه به اینکه پاسخگویان بر اساس نوع ارتباط سازمانی به چند گروه تقسیم می‌شوند و متغیر وابسته نیز فاصله‌ای است برای بررسی صحت و سقم این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس و پس‌آزمون توکی استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود در نمونه مورد مطالعه هر اهمیت ارتباط سازمانی افزایش پیدا می‌کند، میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۶. آماره میانگین برای مقایسه تمایل به مشارکت سیاسی افراد بر اساس نوع ارتباط سازمانی

ارتباط سازمانی	تعداد	میانگین تمایل به مشارکت سیاسی	انحراف معیار
ارتباط ندارد	۲۸۲	۳۱/۷۱	۴/۰۱۰
طرفدار	۱۹	۳۳/۴۲	۵/۵۸۱
عضو معمولی	۱۷	۳۵/۷۱	۴/۲۱۰
عضو فعال	۲۳	۳۹/۸۳	۲/۴۸۰
جمع	۳۴۱	۳۲/۵۵	۴/۵۶۹

برای مقایسه دقیق‌تر این گروه‌ها به لحاظ میزان تمایل به مشارکت سیاسی از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و پس‌آزمون توکی استفاده شده است.

جدول شماره ۷. آزمون واریانس برای مقایسه میزان تمایل به مشارکت سیاسی بر حسب ارتباط سازمانی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
بین‌گروهی	۱۵۹۹/۰۴۷	۳	۵۳۳/۰۱۶	۳۲/۶۷۶	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۵۴۹۷/۱۹۹	۳۳۷	۱۶/۳۱۲		
کل	۷۰۹۶/۲۴۶	۳۴۰			

با توجه به اینکه مقدار F برابر ۳۲/۶۷۶ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ شده است، مشخص می‌شود حداقل اختلاف دو تا از میانگین‌ها، معنی‌دار است. پس‌آزمون توکی این نکته را بهتر نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشخص است، اختلاف اعضای فعال با همه گروه‌های دیگر معنی‌دار است. همچنین اختلاف اعضای معمولی با کسانی که ارتباط سازمانی ندارند، معنی‌دار است ولی سایر تفاوت‌ها معنی‌دار نیست. پس بین ارتباط سازمانی و میزان تمایل به گرایش سیاسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۸. پس آزمون توکی برای مقایسه میزان تمایل به مشارکت سیاسی بر حسب نوع ارتباط سازمانی

نوع ارتباط سازمانی مورد مقایسه	اختلاف میانگین	خطای معیار	سطح معنی داری
ارتباط ندارد با طرفدار	-۱/۷۱	۰/۹۵۷	۰/۲۸۳
ارتباط ندارد با عضو معمولی	-۳/۹۹	۱/۰۰۹	۰/۰۰۱
ارتباط ندارد با عضو فعال	-۸/۱۱	۰/۸۷۶	۰/۰۰۰
طرفدار با عضو معمولی	-۲/۲۸	۱/۳۴۸	۰/۳۲۸
طرفدار با عضو فعال	-۶/۴۱	۱/۲۵۲	۰/۰۰۰
عضو معمولی با عضو فعال	-۴/۱۲	۱/۲۹۲	۰/۰۰۸

با توجه به اینکه پاسخگویان را بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی به سه دسته (پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، متوسط و بالا) تقسیم کردیم. برای بررسی صحت و سقم این فرضیه نیز از آزمون تحلیل واریانس و پس آزمون توکی استفاده شده است. همان گونه که در جدول ملاحظه می شود در نمونه مورد مطالعه هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افزایش پیدا می کند، میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می یابد.

جدول شماره ۹. مقایسه افراد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف به لحاظ میزان تمایل به مشارکت سیاسی

پایگاه	تعداد	میانگین تمایل به مشارکت سیاسی	انحراف معیار
پایین	۶۸	۳۰/۸۵	۴/۴۰۶
متوسط	۲۱۳	۳۲/۵۰	۴/۱۵۵
بالا	۶۰	۳۴/۶۸	۵/۳۱۵
جمع	۳۴۱	۳۲/۵۵	۴/۵۶۹

برای مقایسه دقیق تر این گروه ها به لحاظ میزان تمایل به مشارکت سیاسی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه و پس آزمون توکی استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار F برابر ۱۱/۹۷۳ با سطح معنی داری ۰/۰۰۰ شده است، مشخص می شود حداقل اختلاف دو تا از میانگین ها، معنی دار است. پس آزمون توکی این نکته را بهتر نشان می دهد.

جدول شماره ۱۰. آزمون واریانس برای مقایسه تمایل به مشارکت سیاسی بر حسب پایگاه افراد

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
بین گروهی	۴۶۹/۴۸۵	۲	۲۳۴/۷۴۲	۱۱/۹۷۳	۰/۰۰۰
درون گروهی	۶۶۲۶/۷۶۲	۳۳۸	۱۹/۶۰۶		
کل	۷۰۹۶/۲۴۶	۳۴۰			

همان گونه که در جدول مشخص است اختلاف تمام میانگین ها با هم معنی دار است زیرا سطح معنی داری همه مقایسه های زوجی کمتر از ۰/۰۵ بوده و مشخص می شود که با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می یابد؛ بنابراین فرضیه شماره ۸ که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد، تأیید می شود.

جدول شماره ۱۱. پس آزمون توکی برای مقایسه میزان تمایل به مشارکت بر حسب پایگاه اقتصادی -

اجتماعی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی	اختلاف میانگین	خطای معیار	سطح معنی داری
پایین با متوسط	-۱/۶۴	۰/۶۱۷	۰/۰۲۲
پایین با بالا	-۳/۸۳	۰/۷۸۴	۰/۰۰۰
متوسط با بالا	-۲/۲۹	۰/۶۴۷	۰/۰۰۲

حال در یک جمع بندی از آزمون های مطرح شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را برای کل پاسخگویان بررسی می کنیم: متغیرهای میزان تحصیلات، ارتباط سازمانی، سن و وضعیت اشتغال تأثیر مستقیم و معنی داری بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی دارند یعنی باعث افزایش مشارکت می شوند. بر اساس نتایج همین جدول، متغیرهای جنسیت و محل سکونت تأثیر معکوس و معنی داری بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی دارند یعنی باعث کاهش مشارکت می شوند. تأثیر متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و وضعیت تأهل بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز معنی دار نیست. در بین متغیرهای تحقیق، میزان تحصیلات و ارتباط سازمانی به ترتیب با ۲۲ و ۸ درصد سهم را در تبیین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دارند. روند کلی پراکندگی نقاط اطراف خط برازش حاکی از توان بالای ترکیب خطی متغیرهای مستقل در توضیح نرخ تمایل به مشارکت سیاسی است.

جدول شماره ۱۲. رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	مقدار بتا	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
میزان تحصیلات	۰/۴۶۷	۰/۲۲	۰/۰۰۰
ارتباط سازمانی	۰/۲۸۱	۰/۰۸	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۲۵۰	۰/۰۶	۰/۰۰۰
سن	۰/۲۰۶	۰/۰۴	۰/۰۰۰
وضعیت اشتغال	۰/۱۳۳	۰/۰۲	۰/۰۰۳
محل سکونت	-۰/۰۹۷	۰/۰۱	۰/۰۱۳
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۰۵۷	-	۰/۱۵۳
وضعیت تأهل	-۰/۰۵۲	-	۰/۲۶۸
R=0. 725 Adjusted R square= 0. 517			

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند از نظر شدت و جهت تأثیرگذاری بر متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) متفاوت بوده‌اند. از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، ۶ متغیر مستقل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، میزان تحصیلات، ارتباط سازمانی و جنسیت در مجموع بیشترین تأثیر را بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی داشته‌اند. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل فوق می‌توان ۵۲/۵ درصد از واریانس میزان تمایل به مشارکت سیاسی را توضیح داد. مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده و چندبعدی بودن متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان تمایل به مشارکت سیاسی و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند.

نتیجه‌گیری

طرح و پیگیری مشارکت مردمی در امور حکومتی و تصمیم‌گیری‌های دولتمردان از سوی خود آنها و صاحب‌نظران مختلف با هدف دوام و بقای حکومت‌ها و افزایش مشروعیت نظام‌های سیاسی از یک سو و طرح اساسی‌ترین نیازها و منافع مردم در قالب شعارها و برنامه‌های کاندیداهای مختلف با هدف جلب آرای عمومی از سوی دیگر، بیانگر اهمیت این بحث نزد حکومت‌ها و مردم است. مردم از میان کاندیداهای

کسانی را انتخاب می‌کنند که حامی منافعشان باشند و برنامه‌های جامع‌تر و مفیدتری را برای مردم ارائه دهند. حکومت‌ها نیز در جامعه معاصر با اتکا بر آرای عمومی می‌توانند مشروعیت یابند و اهداف خویش را پیش ببرند.

امروزه در جوامع جدید این مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی همچون پارلمان، احزاب و... به صورتی منظم و قانونمند متبلور شده است. کارکردهای مشارکت سیاسی را به صورت فهرست‌وار می‌توان در عناوینی همچون جلوگیری از بی‌تفاوتی سیاسی، کاهش تعارض‌های خشونت‌آمیز، افزایش مقبولیت حکومت، بقای نظام دموکراتیک و اضمحلال نظام توتالیتری، ایجاد نشاط سیاسی و... خلاصه کرد.

یکی از نتایج این تحقیق این بود که بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی زنان و مردان تفاوت وجود داشت. به عبارت دقیق‌تر، میزان تمایل به مشارکت سیاسی مردان بیش از زنان بود. این نتیجه در تحقیقات متعدد دیگر نیز به دست آمد و منطبق با نظریه میلبرایت و گوئل است، همچنین دیدگاه وضعیتی در تبیین تفاوت در رفتار و باور سیاسی زنان و مردان بر این نکته تأکید می‌کند که نقش «نقش‌های جنسی» و «رفتارهای قالبی» موجود در یک فرهنگ به شکل‌گیری و استمرار تفاوت‌ها کمک می‌کنند. لیست نیز معتقد است زنان عموماً کمتر نقش فعالی در سیاست ایفا کرده‌اند زیرا فعالیتشان بیشتر به امور خانه محدود شده است، حال آنکه مردان بیشتر فعال بوده‌اند چون از حمایت‌های جانبی زنان در زندگی برخوردار بوده‌اند. به طور کلی بر اساس تبیین وضعیتی، مردان می‌توانند به صورت پدر نان‌آور و رهبر سیاسی درآیند، ولی وظیفه مادری از نظر سنتی به عنوان یک شغل تمام‌وقت مدنظر است.

از دیگر نتایج این تحقیق نیز این بود که بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی افراد شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود داشت. به عبارت بهتر، میزان تمایل به مشارکت سیاسی افراد شاغل بیشتر از افراد غیر شاغل بوده است. افراد شاغل به علت درگیری بیشتر با محیط اجتماعی و سیاسی، زمینه بیشتری برای مشارکت در امور سیاسی دارند، حتی برخی از مشاغل با مشارکت سیاسی درگیر است لذا افراد شاغل نسبت به کسانی که شاغل نیستند میزان مشارکت سیاسی بالاتری دارند و

همان‌طور که لیست به نقل از میلبرایت و گوئل نیز گفته است شغل یکی از متغیرهایی است که در مطالعات متعدد بر مشارکت سیاسی اثرگذار بوده است. از جمله نتایجی که در این تحقیق حاصل شد این بود که بین تحصیلات و میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود داشت. به عبارت دقیق‌تر با افزایش تحصیلات، میزان تمایل به مشارکت سیاسی افراد نیز افزایش می‌یابد. دال نشان می‌دهد هرچه میزان تحصیلات افراد بالا می‌رود میزان احساس اثربخشی سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد و بدین ترتیب میزان تحصیلات به طور غیرمستقیم هم در مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد. میزان تحصیلات در میزان دسترسی افراد به اطلاعات نیز اثر می‌گذارد. معمولاً کسانی که دارای تحصیلات بیشتری هستند دسترسی بیشتری به اطلاعات سیاسی و آگاهی و مهارت سیاسی دارند و در نتیجه این عوامل زمینه مساعدتری برای مشارکت سیاسی ایجاد می‌کنند.

یکی دیگر از نتایج تحقیق حاضر این بود که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود داشت. به عبارت دقیق‌تر، هرچه پایگاه اقتصادی افراد بالاتر بود میزان تمایل به مشارکت سیاسی آنها نیز بالاتر بود. کاستلو معتقد است هرچه افراد از لحاظ اقتصادی در وضعیت بهتری به سر ببرند میزان مشارکت آنان در فعالیتهای سیاسی به مراتب بیشتر خواهد بود. ایشان اشاره می‌کند سازمان‌های اصلاح طلب متقدم خاورمیانه مانند سازمان‌های فرهنگی - سیاسی، سازمان‌های شهری برخاسته از طبقات بالا بوده‌اند. مارجر نیز در این باره معتقد است: رابطه بین طبقه و مشارکت یکی از محکم‌ترین فرض‌های جامعه‌شناسی سیاسی است که با داده‌های تجربی فراوانی تأیید می‌شود. در واقع، اهمیت طبقه به عنوان تبیین‌کننده همه اشکال رفتارهای سیاسی به وسیله همه جامعه‌شناسان سیاسی و دانشمندان سیاسی، از هر دیدگاه نظری، پذیرفته شده است. به روشنی، هرچه طبقه اجتماعی فردی بالاتر باشد، دایره، شدت و اهمیت مشارکت سیاسی وی بیشتر است. کسانی که در طیف بالایی از قشریندی اجتماعی قرار دارند، به میزان زیادی در اثربخش‌ترین فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند.

وربا و نای نیز اظهار می‌دارند موقعیت اقتصادی - اجتماعی افراد در امریکا بیش از هر عامل دیگری تعیین‌کننده میزان مشارکت سیاسی افراد است. لیست نیز

با ارائه داده‌های تجربی نشان می‌دهد طبقات اجتماعی با درآمدهای بالا، مشارکت سیاسی بیشتری از طبقات پایین‌تر دارند. وی از علل این اختلاف، ارتباط سیاست‌های دولتی، تجربه شغلی، تماس و ارتباط با سیاست‌مداران، داشتن اوقات فراغت و... را برمی‌شمارد. اعضای طبقات بالا در مشاغلی کار می‌کنند که بُعد سیاسی قوی‌ای دارند که علاقه به مهارت سیاسی آنان را افزایش می‌دهد. همین‌طور به علت داشتن تحصیلات بیشتر، آنها آگاهی سیاسی و اجتماعی بیشتری داشته و در نتیجه علاقه بیشتری برای مشارکت سیاسی دارند. به علاوه اعضای طبقات بالای اجتماعی وقت آزاد بیشتری برای فعالیت‌های سیاسی دارند. درحالی‌که اعضای طبقات پایین‌تر از همه این موارد محروم هستند؛ در نتیجه میزان مشارکت سیاسی آنان کمتر خواهد بود.

پیشنهادها

۱. با انجام تحقیقات پیرامون مشارکت سیاسی در موقع انتخابات و یا با فاصله کم پس از انتخابات، از طریق شیوه‌های پیمایشی یا تحقیقات افکارسنجی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و بررسی رفتار انتخاباتی پرداخته شود.
۲. از آنجاکه موضوع مشارکت سیاسی به صورت پیوستاری و در سطوح متعدد است، لذا پیشنهاد می‌شود که محققان به بررسی این موضوع در سطوح مختلف بپردازند.
۳. پیشنهاد می‌شود مراکز دانشگاهی به شیوه‌های نظرسنجی با رویکردی علمی توجه نشان دهند و شاخص‌های متعدد و مرتبط با انتخابات و مشارکت سیاسی را بررسی کنند.
۴. با توجه به اینکه تمایل به مشارکت سیاسی رابطه مستقیمی با موقعیت اقتصادی - اجتماعی دارد و از طرفی تمایل به مشارکت سیاسی زنان پایین‌تر از مردان است، پیشنهاد می‌شود شرایط به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و حقوقی به گونه‌ای تدارک دیده شود که زنان از موقعیت اجتماعی - اقتصادی بالاتری برخوردار شوند تا بر مشارکت سیاسی آنان افزوده شود.
۵. با افزایش میزان تحصیلات زنان، احتمال اشتغال آنان افزایش می‌یابد و این

دو متغیر (تحصیلات و شغل) هر دو اثر مثبتی بر مشارکت سیاسی زنان دارند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود شرایط تحصیل و در نتیجه اشتغال آنها هرچه بیشتر فراهم شود.

۶. با توجه به فضای دینی جامعه، از فضا و شرایط حاکم بر جامعه ایران بهره‌برداری بیشتر به عمل‌آید و با استفاده از آموزش‌های دینی تمایل به مشارکت مردم افزایش داده شود.

۷. ایجاد زمینه مناسب برای حضور زنان در پست‌های سیاسی باعث بهبود وضعیت همه زنان خواهد بود زیرا وجود زنان که بیش از همه درگیر مسائل زنان هستند موجب پیگیری بهتر مسائل زنان خواهد بود. نبود تبعیض بین زنان و مردان و آماده‌سازی زمینه فعالیت مؤثر زنان باعث می‌شود جامعه رو به پیشرفت گذاشته و اگر زنان یک جامعه آگاهی لازم و کافی داشته باشند، به تربیت فرزندانی خواهند پرداخت که فردای بهتری را برای این سرزمین رقم می‌زنند. *

پرسشنامه

پاسخگوی گرامی

با سلام

پرسشنامه‌ای که در اختیار شما قرار گرفته در مورد مشارکت سیاسی افراد و در راستای جمع‌آوری اطلاعات برای یک تحقیق دانشگاهی است. به همین منظور از نوشتن نام و نام خانوادگی خودداری نموده و از محفوظ ماندن اطلاعات شخصی‌تان مطمئن باشید. خواهشمند است با روحیه‌ای علمی و در کمال دقت به پرسش‌های خواسته‌شده پاسخ دهید.

۱. سن.....
۲. جنس.....
۳. وضعیت تأهل: مجرد متأهل سایر.....
۴. در صورت تأهل تعداد فرزندان.....
۵. میزان تحصیلات خود.....
۶. میزان تحصیلات پدر.....
۷. میزان تحصیلات مادر.....
۸. کدام‌یک از موارد زیر در مورد شما صادق است؟
شاغل بیکار موارد دیگر.....
۹. در صورت شاغل بودن نوع شغل خود را بنویسید.....
۱۰. بیشتر دوران زندگی خود را در کجا گذرانده‌اید؟
شهر روستا
۱۱. در حال حاضر کجا زندگی می‌کنید؟.....
۱۲. میزان درآمد خانوار شما چقدر است؟.....
۱۳. میزان مخارج ماهیانه خانوار شما چقدر است؟.....
۱۴. نوع منزل مسکونی که از آن استفاده می‌کنید؟
رهنی یا اجاره‌ای شخصی سازمانی
۱۵. آیا دارای وسیله نقلیه هستید؟ بلی خیر
۱۶. در صورت بلی نوع وسیله نقلیه شما چیست؟

۱۷. خود را از کدام طبقه اجتماعی می‌دانید؟

بالا □ متوسط □ پایین □

۱۸. آیا با انجمن یا حزب سیاسی ارتباط دارید؟ بلی □ خیر □

۱۹. در صورت بلی ارتباط شما به چه صورت است؟

عضو فعال □ عضو معمولی □ فقط به عنوان طرفدار □

۲۰. تا چه اندازه نسبت به مسائل سیاسی آگاهی دارید؟

۲۱. فعالیت در امور مختلف سیاسی - اجتماعی تأثیر چندانی در سرنوشت

افراد ندارد:

کاملاً موافقم □ موافقم □ نظری ندارم □ مخالفم □

۲۲. شرکت در احزاب و انجمن‌های سیاسی سبب بالا رفتن مقام و موقعیت

سیاسی افراد در جامعه می‌شود:

کاملاً موافقم □ موافقم □ نظری ندارم □ مخالف □ کاملاً مخالفم □

۲۳. آیا شما در ۹ دوره از انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اید:

.....

۲۴. اگر در همه دوره‌ها شرکت نکرده‌اید، در هر دوره که شرکت کرده‌اید نام

ببرید

۲۵. آیا شما در ۳ دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا شرکت

کرده‌اید:

۲۶. اگر در سه دوره شرکت نکرده‌اید، در هر دوره که شرکت داشته‌اید نام

ببرید

۲۸. آیا شما در ۷ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده‌اید

.....

۲۹. اگر در همه دوره‌ها شرکت نکرده‌اید، در هر دوره که شرکت داشته‌اید نام

ببرید.....

۳۰. آیا خود شما نامزد انتخاباتی بوده‌اید؟ بلی □ خیر □

۳۱. در صورت بلی نامزد چه انتخاباتی بوده‌اید:

ریاست‌جمهور □ خبرگان رهبری □ شوراهای اسلامی شهر و روستا □

مجلس شورای اسلامی □

۳۲. آیا شما در ۳ دوره انتخابات خبرگان رهبری شرکت کرده‌اید.....

۳۳. به نظر شما افراد شهر خورموج دارای چه میزان بینش سیاسی هستند:

خیلی زیاد □ زیاد □ متوسط □ کم □ خیلی کم □

۳۴. منافع همه افراد در این است که در مشارکت سیاسی فعال باشند:

کاملاً موافقم □ موافقم □ نظری ندارم □ مخالف □ کاملاً مخالفم □

۳۵. به نظر من میزان مشارکت سیاسی مردان بیشتر از زنان در شهر خورموج

است:

کاملاً موافقم □ موافقم □ نظری ندارم □ مخالف □ کاملاً مخالفم □

پی‌نوشت‌ها

۱. محسن نیازی، «تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱، ص ۲۸.
۲. جلیل کلانتری، مشارکت، استراتژی جدید در توسعه، مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، (تهران: توتیا، ۱۳۷۵).
۳. محمداسماعیل انصاری، «بازشناسی روش نیازهای مشارکتی در نظام اجرایی»، مدیریت دولتی، شماره ۴۳-۴۴.
۴. مصطفی ازکیا و غفاری، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کرمان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
۵. محسن نیازی، پیشین، ص ۳۰.
۶. همان، ص ۳۲.
۷. نسرين مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۷۵)، ص ۲۰.
۸. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر ساروخانی، (تهران: کیهان، ۱۳۶۶).
۹. هما زنجانی‌زاده، «بررسی موانع نظری و عملی افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی». مجله زنان، شماره ۱۰.
10. McClosky, E., *The International Encyclopedia of the Social Sciences*, (New York: the Macmillan Company, 1972).
۱۱. مایکل راش، جامعه و سیاست، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: سمت، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۳.
۱۲. همان، ص ۲۵۲.
۱۳. مرتضی جعفریان، بررسی فرهنگ سیاسی و نظام طایفه‌ای شهر دلفان (با تأکید بر مردان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، استاد راهنما: ناصر فکوهی، ۱۳۸۴.
۱۴. بایزید مردوخی، «مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن»، فصلنامه

اقتصاد کشاورزی و توسعه، تابستان ۱۳۷۳، شماره ۶.

۱۵. ژاله شادی طلب، «زن در توسعه و سیاست»، پژوهش زنان، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، دوره اول، شماره ۱ و ۲، صص ۱۲۸-۱۴۳.

۱۶. جواد دیانتی نیت، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، استاد راهنما: حسین بنی فاطمه، ۱۳۸۲.

۱۷. فهیمه، حبیب زاده مرودشتی، بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۲، دسترسی:

www.sid.ir/fa/VEWSSID/J.../76713901808.pdf

۱۸. نجف هدایتی زاده، مشارکت سیاسی در ایران معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۷۸.

19. Dowse, Robert E and Hughes, John A., "Girl, Boy and politics", *British Journal of Sociology*, Vol. 22, March, 1971.

20. Beck, A. P. M. Jennings, "Path ways to participation", *American political science review*, Vol. 76. No. 24.

۲۱. همان، ص ۹۱.

۲۲. همان، ص ۷۷.

۲۳. مسعود فاضلی، «دموکراسی و مقوله عدالت اجتماعی»، بازتاب اندیشه، آبان ۱۳۸۰، شماره ۲۰.

24. Enayat, Halimeh, *Political Participation of Women in Iran: A Sociological Study*", Ph. D. Thesis, Punjab University, Chandigarh, India, 2002.

۲۵. محمد عبدالهی، «زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، جامعه شناسی ایران، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.

۲۶. موریس دوورژه، جامعه شناسی سیاسی، مترجم: ابوالفضل قاضی، چاپ دوم، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹).

27. Dahl, Robert A., *Modern Political Analysis*, (New jersey: Prentice Hal, 1984).

28. Dahl, Robert A., *Who Governs?*. (New Haven: Yale University Press, 1974).

۲۹. مایکل راش، جامعه و سیاست، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: سمت، ۱۳۷۷)، ص ۱۴۰.

30. Dahl, Robert A., *Modern Political Analysis*, (New jersey: Prentice Hall, 1981).

31. Lipset, S. M., *Political Man*, (New York: Anchor Book, 1963).

۳۲. وحید قاسمی، «گزارش اجمالی، تحلیلی بر وضعیت مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان،

- مواع، آگاهی‌ها و نگرش‌ها». (اصفهان: استانداری اصفهان، ۱۳۷۹).
۳۳. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی. چاپ هفتم، (تهران: نی، ۱۳۸۰).
۳۴. نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران. (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۷۵)، ص ۳۳.
35. Lipset, S. M., Op. Cit.
36. Habermas, J., *The Structural Transformation of the Public Sphere*, Trans, (Cambridge: T. Burger Polity Press, 1989).
۳۷. مک فرسون، زندگی و زمانه دموکراسی لیبرال، مترجم: مسعود پدرام، (تهران: نی، ۱۳۷۶).
۳۸. رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مترجم: مریم وتر، (تهران: کویر، ۱۳۷۳).
۳۹. علیرضا محسنی تبریزی، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره یک، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. ابوالحسن تنهایی، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، (تهران: مرنديز، ۱۳۷۴).
۴۱. دی. ای. دواس، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، مترجم: هوشنگ نایبی، (تهران: نی، ۱۳۷۶).
۴۲. همان، ص ۱۳۰.
۴۳. پروانه مافی، «روز ملی زن مشارکت و شوراهای همشهری»، ۱۹ آذر ۱۳۷۷، شماره ۱۷۱۳.
۴۴. نیکلاس آبراگرامبی و دیگران، فرهنگ جامعه‌شناسی، مترجم: حسن پویان، (تهران: چاپخش، ۱۳۷۶).
۴۵. محمد اسماعیل انصاری، «بازشناسی روش نیازهای مشارکتی در نظام اجرایی»، مدیریت دولتی، شماره ۴۴-۴۳.